

پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران  
سال هشتم، شماره پیاپی ۲۵، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰  
صص ۴۵-۶۴

## نیمه پنهان زندگی زنان تن فروش

مهسا لاریجانی\*، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، ایران

m.larijani@alzahra.ac.ir

زهرا میرحسینی، استادیار، گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشگاه الزهراء، ایران

z.mirhosseini@alzahra.ac.ir

### چکیده

تن‌فروشی از جمله انحرافات است که به دلیل مجرم‌انگاری تجربه‌ای منحصربه‌فرد و توأم با چالش‌های متعدد را برای زنان تن‌فروش فراهم کرده است. در این میان، معناکاوی تن‌فروشی و راهکارها و شگردهای کج‌روانه این افراد در رسیدن به مقاصد، موضوع جدیدی است که در این پژوهش ارزیابی می‌شود. جامعه آماری این مقاله، شامل ۱۷ نفر از زنان تن‌فروش بوده و با رویکردی مبتنی بر نظریه مبنایی به فهم کار تن‌فروشی و استراتژی‌های مرتبط با آن توجه شده است. مطابق یافته‌ها این زنان فعالیت خود را در قالب مفاهیمی چون تن‌فروشی معامله‌گرانه، هنجارسازی شده و بازاندیشانه تعریف کرده‌اند که ارتکاب آن، برای رفع مسائل و مشکلات معیشتی و حمایتی بوده است؛ اما آنان در عین حال، گفته‌اند وجود تسهیل‌کننده‌هایی مانند سرمایه‌های جنسی، بی‌پروایی و ماجراجویی، رهابودگی و نیز پایبند نبودن، زمینه‌های انجام این کار را محقق می‌سازد. همچنین، پاسخگویان در مواجهه با چالش‌های پیش‌رو، سه راهکار و شگرد سازگارانه، کج‌روانه و برون‌رفت جایگزین را به کار می‌بنند و به این صورت، گامی برای کاهش فشارهای تن‌فروشی یا دستیابی به دیگر مقاصد کج‌روانه بر می‌دارند. در مجموع، یافته‌های پژوهش در قالب مقوله محوری «تن‌فروشی به مثابه استیصال و درماندگی» مدل نظری این نوع فعالیت را ترسیم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: زنان تن‌فروش، روسپیگری، تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، استیصال

\*نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۶۴۹۷۶۸۳

## مقدمه و بیان مسئله

تن‌فروشی از جمله پدیده‌های اجتماعی است که در قوانین بسیاری از کشورها در زمره جرائم جنسی قرار گرفته و از آن به صورت «فحشا» نیز نام برده شده است و از نظر عدّه زیادی از جرم‌شناسان، جرمی «زنانه» قلمداد می‌شود (وظیفه، ۱۳۹۱: ۱۷۷) درحالی‌که شیوه مواجهه و برخورد قانون با آن، در کشورهای مختلف متفاوت است؛ به طوری‌که در برخی کشورها به شکل جرم و عملی غیرقانونی مشمول پیگرد و مجازات و در برخی کشورها نیز ممکن است به صورت شغل، محسوب و در صورت نپرداختن هزینه به دست مشتریان یا آزار و اذیت تن‌فروشان، در قالب مصادیق «خشونت علیه زنان» دسته‌بندی شود. با وجود این مسائل، آنچه درباره آن اتفاق نظر وجود دارد، پیچیدگی و چندبعدی بودن دلایل تن‌فروشی و زمینه‌های شکل‌گیری آن و همچنین، پیامدهای تن‌فروشی است که بیشتر به استثمار زن و نیز گسترش فساد، بیماری و رواج بی‌بندوباری در جامعه منجر می‌شود (فاتحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲).

باتوجه به این مطالب، می‌شود گفت تعریف تن‌فروشی و شیوه مواجهه با آن، بسته به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و قانونی در کشورهای مختلف متفاوت است. در ایران، تن‌فروشی را می‌شود به شکل هر مبادله جنسی تعریف کرد که برای عرضه‌کننده با بهره جنسی و احساسی همراه نیست؛ یعنی زنی بدون رعایت ضوابط قانونی و شرعی (عرف مسلط در ایران) و به شکل حرفه، امرار معاش و کسب درآمد، در برابر دریافت پول یا کالا خدمات جنسی مربوط به تن خود را به دیگران ارائه می‌دهد (مدنی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۳).

از نظر صاحب‌نظران حوزه اجتماعی، دلایل مختلفی برای تبیین دلایل تن‌فروشی زنان بیان شده است و می‌شود؛ مواردی چون اختلالات روانی، زمینه‌های خانوادگی، فقر و تأمین‌نشدن نیازمندی‌های معیشتی و مواردی نظیر آن را از آن جمله دانست (دارابی، ۱۳۹۶: ۲۲۶). همچنین، مطابق نتایج برخی پژوهش‌ها رابطه معناداری بین بی‌خانمانی و ویژگی‌های

اجتماعی و جمعیتی زنان روسپی مثل فقر و فروپاشی خانواده وجود دارد (ایزدی و ضرغامی، ۱۳۹۳: ۲۲۷). برخی دیگر، همچون دیویدف<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۶) تقاضای مردانه را محرک اصلی بازار تن‌فروشی می‌دانند (نقل از مدنی قهفرخی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳).

گذشته از آن، در ایران تن‌فروشی به صورت مسئله‌ای اجتماعی از دیدگاه اجتماعی (جوهری و هلالی‌ستوده، ۱۳۹۵)، از دیدگاه عاطفی (مسلمی و همکاران، ۱۳۹۲)، از منظر اقتصادی در پژوهش (مدنی و همکاران، ۱۳۹۱) و از نظر سلامت در پژوهش (محمودی و همکاران، ۱۳۹۲) واکاوی شده است. به این موضوع، در مفهومی گسترده‌تر با عناوینی همچون تن‌فروشی و لذت (Kontula, 2008)، جرائم علیه تن‌فروشان (Dewey and Karandikar & Germain, 2015)، مشتریان و خشونت‌های آنان (Karandikar & Prospero, 2010) یا مدیریت ننگ به دست زنان تن‌فروش (Murphy & et al., 2015) نیز توجه شده است.

تن‌فروشی از جمله مسائل اجتماعی است که دلایل و زمینه‌های آن پیچیده‌اند و بیشتر فقر، محرومیت، ناچاری و اعتیاد، از انگیزه‌های قوی آن محسوب می‌شوند؛ به طوری‌که براساس یافته‌های پژوهشی شکل غالب تن‌فروشی بر انگیزه‌های فقر در سمت عرضه و ناکامی در سمت تقاضا است (مدنی قهفرخی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴).

با تمام این اوصاف، آنچه در ادبیات پژوهشی حوزه تن‌فروشی کمتر مجال بررسی پیدا کرده، نگرستن به معنا و فعل تن‌فروشی از منظر کنشگران و توجه به مواردی همچون روش ارتکاب تن‌فروشی زنان، تجربیات و ملاحظات در انتخاب مشتریان و چگونگی کاهش آسیب تن‌فروشی از دیدگاه آنان است؛ زیرا باتوجه به کج‌روانه بودن این عمل، احتمالاً فعل تن‌فروشی زنان با چالش‌های زیادی همراه می‌شود و معمولاً امکان یاری گرفتن از مراجع قانونی نیز وجود ندارد و در بسیاری مواقع، ممکن است تبعات و پیامدهای جبران‌ناپذیری را بر زندگی آنان باقی بگذارد.

در این مقاله، تلاش شده است پدیده تن‌فروشی بنا بر

<sup>1</sup> Davidof

همانند دیگر مشاغل، از جمله دلایل تن فروشی این زنان هستند و به نظر می‌رسد این مسئله، بیشتر از فقر فرهنگی از فقر اقتصادی متأثر است.

مدنی و روشنفکر (۱۳۹۴) ویژگی‌های مشتریان این موضوع را از دیدگاه زنان تن فروش خیابانی شهر تهران با تلفیق روش کمی و کیفی ارزیابی کرده‌اند و عواملی همچون این موارد را از دلایل گرایش مشتریان به روسپی‌گری بیان کرده‌اند: اختلال در روابط جنسی با همسر، تنوع طلبی در روابط جنسی، میل جنسی زیاد، وضعیت جنسی خاص همسر و مجرد و جدایی از همسر به دلیل طلاق یا مسافرت.

ایزدی و زرغامی (۱۳۹۳) عوامل اقتصادی و اجتماعی تن فروشی را در شهر شیراز، با روش پیمایش مطالعه کرده‌اند و نمونه مدنظر آنها صد نفر از زنان عادی و صد نفر از زنان روسپی بوده است. در این پژوهش، پنج عامل زندگی شهری، نبودن نظارت اجتماعی، کارکرد منفی خانواده، ناهنجاری‌های اخلاقی و عوامل فردی با روسپی‌گری رابطه معناداری داشته‌اند.

مدنی قهرخی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با نام «بازار تن فروشی خیابانی زنان در کلان‌شهر تهران» با روش ترکیبی کمی و کیفی نشان می‌دهند الگوی قالب تن فروشی فعالیت فردی دانسته می‌شود و اقتصاد بازار روسپیگری هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است. طبق بررسی اجزای درآمد و نوبت‌های کار، عواملی همچون هزینه‌ها، سن فعلی، محل جلب مشتری، میزان هرنوبت رابطه، شمار مشتریان و تجربه، با درآمد حاصل از تن فروشی رابطه معناداری دارد و در نهایت، فقرزدایی به‌صورت راهبردی پایدار بر روسپیگری اثرگذار است.

حسینی و آقایی (۱۳۸۷) با روش پیمایش، عوامل مؤثر بر تن فروشی را در زنان دستگیر شده در زندان اوین ارزیابی کرده‌اند. این افراد شامل ۶۰ نفر به‌صورت گروه گواه و ۶۰ نفر زنان ۶۰-۱۶ ساله ساکن در مناطق زندگی زنان تن فروش، قبل از دستگیری آنان هستند. براساس نتایج حاصل شده، با ۹۵

روایت زنان و فراتر از کلیشه‌ها و دسته‌بندی‌های موجود بررسی و مطالعه شود تا به این سؤالات پاسخ داده شود: ۱. کنشگران از فعل ارتكابی خود چه معنایی را برداشت می‌کنند و ۲. آنها برای سازگاری فردی و کاهش تنش‌های تن فروشی از چه شگردها یا راهکارهایی استفاده می‌کنند. باتوجه‌به پنهان بودن تن فروشی اهمیت این پژوهش در آن است که چگونگی ترتیب و ساماندهی کنش‌های آن در قالب نظریه زمینه‌ای مطالعه‌ای بدیع به شمار می‌آید.

### اهداف و سؤالات پژوهش

اهدافی که برای این مقاله در نظر گرفته شده است، بر فهم معنا و تجربه‌پدیده مدنظر و بررسی ابعاد فرایند آن تأکید دارد؛ بنابراین، پژوهشگر سعی دارد سؤالاتی را بپرسد که نشان دهند: ۱. این پدیده چگونه از نگاه کنشگران آن معنا و تفسیر می‌شود؛ ۲. مهم‌ترین بخش فرایند چه بوده است (پدیده‌محوری)؛ ۳. چه راهبردهایی در طول فرایند به کار گرفته شده است و ۴. در نهایت، چه آثار و پیامدهایی به دنبال داشته است.

به این ترتیب، سؤالات محوری ما به این شرح‌اند:

- براساس اظهارات مشارکت‌کنندگان، معنای تن فروشی از نگاه زنان چگونه تعریف می‌شود؛
- مشارکت‌کنندگان، وضعیت و تسهیل‌کننده‌های فعل تن فروشی را چگونه تعریف می‌کنند و
- مشارکت‌کنندگان، در طول فرایند تن فروشی چه شیوه‌هایی (شگردهایی) را اتخاذ می‌کنند.

### پیشینه پژوهش

شکرپیگی و قزوینه (۱۳۹۶) در پژوهشی کیفی با عنوان «روسپی‌گری زنان کولی در محله حکمت‌آباد کرمانشاه» نشان می‌دهند چهار عامل فقر اقتصادی خانواده، اجبار از جانب همسر برای تأمین مواد مخدر، تفریح برای قمار و کسب درآمد بیشتر و در نظر گرفتن این کار به شکل یک شغل،

جنسی را عوامل تأثیرگذار بر فرار دختران و پس از آن، ارتباط آنان با مردان مسن برای تبادل جنسی سودآور دانسته‌اند.

این مقاله، ویژگی‌های سرمایه جنسی زنان تن‌فروش و وضعیتی را بررسی کرده است که به آنها اجازه فعالیت می‌دهد. زنان از زیبایی بدن، ارزش‌های جنسی، مهارت و اغوای عاطفی به‌جای سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌کنند. در واقع، سرمایه جنسی، بیان احساسات جنسی و ایجاد رابطه با افراد جدید است که به‌جز ماهیت عاطفی پتانسیل سرمایه اقتصادی را نیز دارد. سرمایه جنسی به سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی تبدیل نمی‌شود؛ اما این زنان، به کمک تن‌فروشی از روستا به شهر مدرن مهاجرت کرده‌اند.

در مجموع، در خصوص پیشینه‌های موجود می‌شود گفت هرکدام از بعدی خاص به این پدیده نگاه کرده‌اند و برخی پژوهش‌ها فقر فرهنگی، ویژگی‌ها و ناکارآمدی خانواده زنان تن‌فروش را مطالعه و برخی دیگر، از منظر مشتریان زنان تن‌فروش به این پدیده توجه کرده‌اند. در برخی مقالات، ساختار اقتصادی پدیده روسپی‌گری ارزیابی شده و در پژوهش‌های خارجی نیز ویژگی‌های خانواده و زنان تن‌فروش مشخص شده‌اند. با توجه به این مطالب، نقطه تمایز این پژوهش با سایر مطالعات، به‌کارگیری روش تحقیق کیفی با هدف معناکاوی و جستجوی معنای ذهنی کنشگران تن‌فروش درباره این موضوع و تلاش برای رسیدن به رویکردی چندبعدی با کمک نظریه بنیانی است.

#### ملاحظات نظری و مروری بر ادبیات پژوهش

در روش کیفی و نظریه زمینه‌ای پژوهش را از یک نظریه شروع نمی‌کنند؛ بلکه تحقیق از یک حوزه مطالعات شروع و فرصت داده می‌شود مسائل متناسب و مرتبط با آن، خود را نشان دهد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۵۶).

در این مقاله نیز برای ایجاد حساسیت نظری و دستیابی به مقولات تحلیلی از نظریه‌هایی بهره گرفته شده که در ادامه

درصد اطمینان، عواملی چون این موارد، در ۲ گروه مدنظر تفاوت معناداری دارد: پایگاه اجتماعی خانواده، گرایشات مذهبی والدین، وجود اعتیاد در خانواده، انحرافات اجتماعی و اخلاقی والدین یا یکی از اعضای خانواده، روابط صمیمانه والدین با یکدیگر، مشاهده روابط جنسی والدین، نوع سرپرستی و ازدواج مجدد والدین و این متغیرها هم با تن‌فروشی رابطه دارند.

سانگ و موراش<sup>۱</sup> (2016) پژوهشی کیفی با عنوان «انگیزه‌های مادی یا دوران کودکی نامساعد؛ تفسیری بر تجارت جنسی دختران برای کسب سود در کره جنوبی» ارائه داده‌اند که در آن، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از گروه‌های متفاوت، ۲۵ دختر متمایل به شرکت در پژوهش انتخاب شده‌اند. این پژوهش با استفاده از تحلیل تماتیک، ریشه‌های بازار فحشا را عوامل زمینه‌ساز و انگیزه‌ای می‌داند و تجزیه و تحلیل داده‌های آن نشان می‌دهد تمایل صرف به مادی‌گرایی تأثیر عواملی چون رفتار نادرست خانواده یا میل به فحشا به دلیل نفوذ همسالان را کاهش می‌دهد.

لی و شک<sup>۲</sup> (2013) رابطه خانواده را با فحشا مطرح و چنین استدلال کرده‌اند که در هنگ‌کنگ، وجود خانواده با کاردهای مثبت خود، همچون حمایت دوجانبه، عشق و اهمیت‌داشتن یکدیگر برای اعضای خانواده، باعث کم‌رنگ شدن آن شکلی از فحشا می‌شود که برای جبران روابط عاطفی و دوستیابی پدید می‌آید.

دینگ و همکاران<sup>۳</sup> (2012) در پژوهش کیفی خود به انباشت سرمایه جنسی و استراتژی پیشرفت زندگی در زنان تن‌فروش در منطقه رودخانه مرواید چین (که منطقه پیشرفته صنعتی جنوب آن است) توجه کرده‌اند.

هونگ<sup>۴</sup> (2007) و هو<sup>۵</sup> (2008) نیز قربانی شدن در کودکی، خشونت‌های بین‌فردی و سوءاستفاده جسمی و

<sup>1</sup> Song & Morash

<sup>2</sup> Lee & Shek

<sup>3</sup> Ding

<sup>4</sup> Hong

<sup>5</sup> Hu

به آنها اشاره شده است.

دینگ و همکاران، چهار دیدگاه را در زمینه ادبیات تن فروشی بررسی کرده‌اند که از چشم‌اندازهای مختلف ایدئولوژیک مطرح می‌شوند: ۱. دیدگاه‌های اخلاقی که فعالیت تن فروشانه این زنان را عملی غیراخلاقی و فحشا را از فضولات دوران سرمایه‌داری می‌داند؛ ۲. دیدگاه‌های پزشکی محور که این زنان را افرادی می‌داند که در امور جنسی بی‌قاعده و بی‌پروا عمل می‌کنند و در پژوهش‌های بهداشتی به آموزش نیاز دارند؛ ۳. موج نخست دیدگاه‌های فمینیستی و جامعه‌شناسی که آنها را قربانیان فرهنگ پدرسالاری و نابرابری جنسیتی و فحشا را نوعی ظلم می‌داند و ۴. دیدگاه لیبرال فمینیستی به کارگران جنسی که حامی آزادکردن فحشا و حقوق قانونی برای کارگران جنسی است (Ding et al., 2012: 44).

نظریه فارر به مفهوم سرمایه جنسی در پدیده تن فروشی توجه می‌کند که این موضوع، تلفیقی از دو دیدگاه جامعه‌شناختی و اقتصادی است. دیدگاه جامعه‌شناسی از نظریه میدان بوردیو و رویکرد اقتصادی تأثیر پذیرفته که براساس تئوری سرمایه انسانی گری بکر<sup>۱</sup> تنظیم شده است. فارر، این دو دیدگاه را باهم تلفیق و نظریه میدان جنسی بوردیویی را مطرح کرد که در آن، بازیگران فردی استراتژی‌هایی را انتخاب و از اشکال مختلف سرمایه انسانی برای به حداکثر رساندن سود خود استفاده می‌کنند (Farrer, 2010: 76). او تعریف جامعه‌شناختی سرمایه جنسی را به شکل منابع «شخصی»، «صلاحیت‌ها» و «کمک‌های مالی» مطرح می‌کند که در مجموع، عوامل جنسی را فراهم می‌کنند (Farrer, 2010: 75). بنابراین، فارر مفهوم سرمایه جنسی را در تن فروشی برجسته می‌سازد. به اعتقاد وی ویژگی‌های جسمانی و استایل بدنی، عملکردهای جنسیتی و مهارت‌های جنسی در شغل تن فروشی اهمیت دارند؛ زیرا این عوامل به جذب مشتری و جمع‌آوری منابع لازم برای بقا و تحرک اجتماعی منجر

می‌شوند. از نظر او طبقه جنسی روسپیان از طبقه اجتماعی ساخته می‌شود و به شدت با طبقه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنها مرتبط است.

برخی نظریه‌های جرم‌شناسی، نابسامانی اقتصادی، فقر و نابرابری را عامل تمایل به تن فروشی می‌دانند؛ برای مثال، دلاگوستا<sup>۲</sup> و همکاران (2004) آن را فعالیت اقتصادی ننگینی توصیف می‌کنند که عرضه آن را در بازار، می‌شود براساس محدودیت در دسترسی به دیگر فرصت‌های درآمدی ممکن (قابل دسترس) تبیین کرد (Della Giusta et al., 2004: 15). به باور آلبرت کوهن، در هر جامعه، طبقه محروم شیوه‌های خود را برای دستیابی به منزلت انتخاب می‌کند. در جامعه‌ای که افرادی با ثروت و امکانات زیاد و وضعیت خوب وجود دارند، طبقه محروم احساس ناکامی می‌کنند؛ بنابراین، کسب منزلت به هر شکل ممکن مشروع می‌شود و فحشاء، برای دختران طبقه محروم، یکی از شیوه‌های کسب امکانات مادی و منزلت خواهد شد (کوهن، ۱۹۵۵، به نقل از مدنی و روشنفکر، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

درخصوص انگیزه‌های مادی، تئوری انتخاب عقلانی کلاسیک نیز بر این تأکید می‌کند که افراد قانون‌شکن، براساس محاسبه سود و هزینه نسبی عمل غیرقانونی را انجام می‌دهند (Lanier & Henry, 2009: 6).

گاتفردسون و هیرشی<sup>۳</sup> (1990) نظریه خود را در چارچوب نظریه کلاسیک رفاه‌طلبی طبیعی رفتار انسان مطرح کرده‌اند. براساس این نظریه، انحراف و جرم راه‌هایی سریع، ساده و کوتاه‌مدت برای رسیدن به اهداف مدنظر است.

در مقابل، دیگر نظریه‌های مطرح‌شده، نظریه‌های خشتی‌سازی هستند که جزء نظریه‌های خرده‌محور محسوب می‌شوند و مطابق آنها دلیل تراشی‌ها به فرد اجازه می‌دهند اعتبار هنجارها، ارزش‌ها یا یک ماده قانونی را خشتی و آنها را برای خود بی‌اثر کنند. با این روش، مجرمان از تأمل و تفکر درباره فعل ارتكابی خود به طرف تمرکز بر افعال دیگران

<sup>2</sup> Della Giusta

<sup>3</sup> Gottfredson & Hirschi

<sup>1</sup> Beker

براساس سؤالات محوری و باتوجه‌به ویژگی هر مشارکت‌کننده پرسیده شده‌اند که این ویژگی‌ها شامل این مواردند: وضعیت زندگی امروزی، شیوه گذران زندگی و تأمین معاش، چرایی انتخاب این نوع معاش، تفاوت فعالیت مشارکت‌کننده با سایر هم‌مسلمانان، چگونگی انتخاب مشتریان، پیامدهای این نوع فعالیت، راهکارهای تجربه‌شده برای کاهش آسیب و ... همچنین، تلاش بر آن بوده است تا در فضای صمیمی و به دور از نگاه جرم‌انگارانه و هراس‌آور، جزئیات و محتوای تجربه تن‌فروشی زنان، با رضایت پاسخگویان، واکاوی شود؛ به این صورت که در ابتدای هر مصاحبه، درخصوص موضوع پژوهش با آنان صحبت شده و ضمن معرفی کردن پژوهشگران، درصورت موافقت زنان، مصاحبه انجام شده و با ذکر محرمانه‌بودن یافته‌های این پژوهش و استفاده‌نکردن از نتایج آن برای اهداف دیگر، اصول اخلاقی مرتبط با پژوهش کیفی رعایت شده است.

گذشته از آن، پژوهشگران در طول مصاحبه‌ها ضمن ایجاد رابطه صمیمانه، تلاش کرده‌اند گفتگوی همدلانه‌ای شکل گیرد که این مسئله نیز در افزایش اعتبار پژوهش مؤثر است. گفتنی است هر زمان مصاحبه‌شوندگان تمایلی به ادامه همکاری نداشته یا خسته شده‌اند، مصاحبه‌ها قطع شده است. این افراد به‌صورت هدفمند و با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده‌اند؛ اما تلاش شده است بیشترین تنوع در میان شرکت‌کنندگان رعایت شود و درنهایت، اشباع داده‌ها حجم نمونه این پژوهش را تعیین کرده است.

فرایند کدگذاری از همان ابتدای انجام مصاحبه‌ها آغاز شده و در مرحله کدگذاری با استفاده از روش‌های کدگذاری باز، محوری و گزینشی هر مصاحبه به دست هر دو نویسنده کدگذاری شده و درپایان، با یکدیگر مقایسه شده است تا ابتدا به فهم و درک مشترکی از مفاهیم و در مرحله بعد، از مقولات برسند. تمام مقولات با تأیید هر دو نویسنده نوشته شده و برخی اوقات، کدها چندین بار بازبینی شده است و سرانجام، هر مصاحبه اطلاعات بدیعی را به پژوهشگران ارائه می‌کند که

تغییر جهت می‌دهند و فعل ارتكابی خود را آن‌قدر کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت جلوه می‌دهند که مسئولان دولتی و قضایی نباید به آن توجه کنند (Copes & Williams, 2007:117) بنابراین، براساس این نظریه، دلایل و مباحث مطرح‌شده از طرف تن‌فروشان، جزء دلیل تراشی‌ها به شمار می‌آیند.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای کیفی محسوب می‌شود و رویکرد استفاده‌شده، نظریه زمینه‌ای (داده‌بنیاد) است که یک مجموعه رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا و حرکت از جزء به کل، درباره پدیده‌ای شکل بگیرد. درحقیقت، در این نظریه، پژوهشگر به گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل اطلاعاتی تمرکز دارد که از پدیده مدنظر نشأت گرفته‌اند. در این روش، پژوهش هرگز از یک نظریه شروع نمی‌شود تا آن را به اثبات برساند؛ بلکه از یک حوزه مطالعاتی، آغاز و این فرصت داده می‌شود تا امور متناسب و مرتبط با آن، نمایان شوند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۳ و ۲۲).

در نظریه بنیانی نیز تلاش می‌شود جهان و تفسیر مردم از دیدگاه خود مشارکت‌کنندگان و مطابق درک خود آنها درک شود و این بررسی همدلانه، یکی از مهم‌ترین رویکردهای این نظریه است (میرزایی، ۱۳۹۵: ۲۳۵).

### روش انتخاب مشارکت‌کنندگان و تحلیل اطلاعات

مشارکت‌کنندگان این پژوهش، زنان تن‌فروش مناطق پایین شهر تهران هستند که دلیل انتخاب آنها تفاوت‌های احتمالی فعالیت‌های تن‌فروشان و دلایل و انگیزه‌های آنان در مناطق پایین و بالای شهر و تعداد آنها ۱۷ نفر است.

این مصاحبه‌ها در مراکز گذری کاهش آسیب‌های اجتماعی تهران انجام شده و طول زمان آنها بین ۴۵ دقیقه تا ۲ ساعت متغیر بوده است.

مصاحبه‌ها با سؤالات زمینه‌ای برای فرصت برقراری ارتباط بین مصاحبه‌کننده و مشارکت‌کننده آغاز می‌شوند و

مصاحبه و زمان و مکان و اتفاقات پیرامون فرایند آن، تأکید شده است.

### نتایج توصیفی

مشارکت کنندگان در این پژوهش ۱۷ نفر با سنین ۲۳-۵۱ سال هستند که از نظر میزان تحصیلات نیز در محدوده بی سواد تا دیپلم قرار دارند. دو نفر از پاسخگویان متأهل و از مهاجران افغانی، ۱۳ نفر مطلقه و ۲ نفر هم متارکه کرده هستند. یک نفر از پاسخگویان بدون فرزند است و پاسخگویان دیگر، بین ۶-۱ فرزند دارند که ۳ نفر از آنها با فرزندان خود زندگی می کنند. همچنین، ۶ نفر از مشارکت کنندگان سابقه جرم دارند که جرائم ۲ نفر از آنها سرقت، ۲ نفر فعالیت در خانه های فساد و ۲ نفر دیگر نیز جرائم مرتبط با مواد مخدر است. یازده نفر از پاسخگویان به صورت فردی تن فروشی می کنند و ۳ نفر پانداز و قواد فردی هستند. همچنین، ۱ نفر آنها مسئول پاتوق هستند و ۲ نفر نیز در پاتوق فعالیت دارند. برای بررسی ابعاد پیچیده موضوع، به جز زنان تن فروش فعلی با برخی از زنان روسپی سابق نیز مصاحبه های عمیق انجام شده است. این زنان به این دلیل انتخاب شده اند که با فاصله گرفتن از دوره تن فروشی احتمالاً قادرند توصیف هایی غنی و فارغ از عملکرد فعلی خود ارائه دهند؛ هرچند ممکن است در برخی موارد، این زنان با افزایش سن و از دست دادن ویژگی های ظاهری و جوانی بیشتر در قالب قواد با این پدیده در ارتباط باشند. محل فعالیت پاسخگویان بیشتر در مناطق پایینی شهر بوده است و فرد مسئول خانه فساد، در منطقه متوسط شهر فعالیت دارد. درخصوص محل زندگی پاسخگویان نیز باید گفت که ۱۳ نفر کارتن خواب بی مکان و ۴ نفر نیز در مناطق پایین شهر مستأجر بوده اند. در جدول شماره یک، ویژگی های جمعیتی پاسخگویان به طور خلاصه ترسیم شده است.

به جز تحلیل، پژوهشگران را به طرف توجه به افرادی با همان ویژگی ها و شنیدن تجربیاتشان یا انتخاب مورد جدیدتر و شنیدن روایت های احتمالی متفاوت یا مشابه سوق می دهد.

پس از استخراج مفاهیم اولیه، مقوله بندی، یکپارچه سازی و پالایش مقوله مرکزی به نام «تن فروشی به مثابه استیصال و درماندگی» حاصل شده است. در این پژوهش، برای انتخاب مقوله هسته ای به معیارهایی همچون انتزاعی و کلی بودن، ارتباط معنایی با تمام مقولات، توانایی تحلیل علمی، تأکید و تکرار از طرف مشارکت کنندگان و هدایت شدن جریان مصاحبه به جانب آنان توجه شده است. در انتخاب کدهای دیگر نیز تلاش شده است آنها با هدف و مسئله پژوهش مرتبط باشند و به طور کامل، محتوای مدنظر را در برگینند و در نهایت، با پیوند بین مقولات، مدل پارادایمی تشکیل شده از دلایل، زمینه ها، وضعیت مداخله گر و استراتژی ها شکل گرفته است.

لینکلن و گوبا در زمینه بحث اعتبار و پایایی از قابلیت اعتبار داده ها سخن می گویند که در این پژوهش نیز به این مسئله توجه شده است. منظور از قابلیت اعتبار، مطلوب بودن بازنمایی ساختار و مفهوم پدیده های مدنظر است (Lincoln & Guba, 1985:94) به این ترتیب، برای افزایش اعتبار مطالعه، در پایان هر مصاحبه و همراه با مصاحبه شونده، برای تأیید صحت اطلاعات و شکل گیری فضای ذهنی و فهم تجربیات زنان، به جمع بندی داده های ردوبدل شده در فرایند مصاحبه توجه شده است.

درخصوص استحکام اطلاعات، از روش چک کردن آنها با مشارکت کنندگان، مقایسه نتایج این پژوهش با ادبیات تجربی و نظری موجود و مطالعه اسناد مرتبط با پدیده تن فروشی استفاده شده است؛ گذشته از آن، از دو متخصص دیگر هم برای کنترل کدگذاری ها و اطمینان از صحت آنها کمک گرفته شده است. در زمینه پایایی نیز برای اطمینان از درستی داده ها بر مسائلی چون ضبط و یادداشت برداری از



جدول شماره ۱- ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان

محل زندگی	نوع فعالیت تن‌فروشی	وضعیت اعتیاد به موارد مخدر	تعداد فرزند	وضعیت تأهل	تحصیلات	سن	کد مشارکت‌کننده
کارتن خواب	فردی	مصرف شیشه	۱ فرزند	مطلقه	بی‌سواد	۴۰	۱
کارتن خواب	فردی	مصرف شیشه	۲ فرزند	متارکه	بی‌سواد	۲۹	۲
کارتن خواب	فردی	مصرف شیشه	۱ فرزند	مطلقه	بی‌سواد	۴۲	۳
منزل	قواد یا پا انداز <sup>۱</sup>	مصرف هروئین	۱ فرزند	مطلقه	بی‌سواد	۵۰	۴
کارتن خواب	فردی	مصرف شیشه	۱ فرزند	متارکه	کلاس هشتم	۳۹	۵
منزل	فعالیت در خانه تیمی	مصرف شیشه	۲ فرزند	مطلقه	بی‌سواد	۳۸	۶
منزل	مسئول خانه فساد	نداشتن اعتیاد	۳ فرزند	مطلقه	سیکل	۴۳	۷
کارتن خواب	فردی	مصرف شیشه	بدون فرزند	مطلقه	بی‌سواد	۳۱	۸
منزل	فردی	مصرف تریاک	۵ فرزند	متأهل	بی‌سواد	۴۱	۹
کارتن خواب	فردی	مصرف هروئین و شیشه	۳ فرزند	مطلقه	راهنمایی	۳۸	۱۰
کارتن خواب	فردی و (قواد)	مصرف شیشه	۱ فرزند	مطلقه	دیپلم	۴۸	۱۱
کارتن خواب	فردی	مصرف هروئین	۱ فرزند	مطلقه	دیپلم	۴۱	۱۲
کارتن خواب	فردی	مصرف شیشه	۲ فرزند	مطلقه	ابتدایی	۳۶	۱۳
منزل	فردی	مصرف شیشه	۱ فرزند	مطلقه	سیکل	۴۸	۱۴
منزل	فردی	مصرف شیشه	۳ فرزند	متأهل	بی‌سواد	۴۱	۱۵
کارتن خواب	فردی	مصرف شیشه	۲ فرزند	مطلقه	دیپلم	۵۱	۱۶
منزل	فعالیت در خانه تیمی	مصرف شیشه و هروئین	۱ فرزند	مطلقه	اول راهنمایی	۲۳	۱۷

<sup>۱</sup> در اینجا به معنای فرد واسطه شناسایی تن‌فروش و مشتری است.

## گزارش نتایج

مدنظر قرار داده‌اند. نکته جالب توجه آن است که آنان در تعاریف و استنادات خود، معمولاً به زنانی جز خود اشاره می‌کنند و در برخی مواقع، با توجیه عمل خود، سعی دارند میان خود با سایر زنان تن‌فروش مرز تعیین کنند و معناهای دیگری را از عمل خویش پدید آورند؛ به همین دلیل، برداشت پاسخگویان در قالب مقولات تن‌فروشی معامله‌گرانه، تن‌فروشی هنجارسازی‌شده و تن‌فروشی بازاندیشانه طبقه‌بندی می‌شود.

در بخش یافته‌های تحلیلی مقولات استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در قالب طبقات اصلی معناکاوی تن‌فروشی، وضعیت و تسهیل‌کننده، راهکارها، شگردها، پیامدها و آسیب‌های تجربه‌شده مرتبط با تن‌فروشی ارائه و با بهره‌گیری از تحلیل تجربه‌های زنان، تلاش می‌شود با استفاده از نظریه داده‌بنیان، تصویر روشنی از تن‌فروشی ارائه گردد.

### تن‌فروشی معامله‌گرانه

به اعتقاد برخی پاسخگویان، فعالیت تن‌فروشی آنها برای رفع نیاز و مسائلی است که در زندگی با آن مواجه هستند و معمولاً برای تأمین مواد مخدر مصرف روزانه، تأمین نیازهای معیشتی و حمایت از دوستان اتفاق افتاده است.

### معناکاوی تن‌فروشی و طبقه‌بندی آن از منظر

#### مشارکت‌کنندگان

شرکت‌کنندگان در این پژوهش، تن‌فروشی را مطابق با تعاریف مرسوم جامعه تعریف کرده و در این ارتباط، ارزشها و هنجارهای جامعه مرجع را در تعریف‌های خود



برخی دیگر، تن فروشی را به دلیل حمایت مردان دانسته‌اند که این تعریف، در قالب مقوله معامله‌گرانه قرار

می‌گیرد. در این زمینه، یکی از این زنان می‌گوید:

«وقتی شوهرم مرد، گه‌گذاری دو تا مرد بودند که من رو حمایت می‌کردند و به من پول می‌دادند. همه‌جوره هوام رو داشتن ... بهم می‌گفتن هرچی می‌خوای بیا به خودمون بگو. پیش این جوون موونا نری، یه موقع بیان یه بلایی سرت بیارن. اذیت کن.»

#### تن‌فروشی هنجارسازی شده

به باور زنان پاسخگو معنای اصلی تن‌فروشی با لذت، بی‌بندوباری، شرکای متعدد و گزینش مشتریان جوان مصداق می‌یابد و درحقیقت، فعل ارتكابی آنها چنین ویژگی‌هایی ندارد. این زنان، هنجارهایی را برای انتخاب مشتریان خود ذکر می‌کنند که آنان را به قواعدی پایبند و آنها را از دایره تن‌فروشان خارج می‌سازد. به گفته پاسخگویان، ارضانشدن، ارتباط با افراد مسن و همچنین، صیغه‌شدن و ارتباط با افراد مشخص، آنها را از فعالیت تن‌فروشانه آنومیک و درمجموع، تعاریف متعارف تن‌فروشی دور می‌سازد.

در این باره، یکی از پاسخگویان چنین می‌گوید:

«من با هر کی ارتباط داشتم. خب جوون که نبودن. مسن بودن و زنشون فوت کرده بود یا اینکه زنشون مریض بود. من با مرد زن‌دار و جوون نمی‌رم. عرش خدا به لرزه در می‌یاد. خدا قهرش می‌گیره.»

شخصی دیگر نیز این گونه می‌گوید:

«من الان روزانه صیغه محرمیت و لفظی می‌شم و خرجم رو در می‌آرم.»

پاسخگوی دیگر نیز در این خصوص می‌گوید:

«من تو یه رابطه هیچ‌وقت نمی‌گذارم ارضا بشم. اگر این‌طور بشه، پولم حرومه.»

فردی دیگر نیز در این باره می‌گوید:

«اگر آدم رابطه کامل داشته باشه، تن‌فروشی و گناه کرده. من از راه‌های دیگه‌ای استفاده می‌کنم که طرفم ارضا بشه. پولم می‌گیرم و گناه نمی‌کنم.»

درواقع، این پاسخگویان تلاش می‌کنند با توجیه فعل ارتكابی خود و ایجاد مرزهای ساختگی بار منفی عمل

در این مقاله، ۱۶ نفر از ۱۷ نفر پاسخگویان، به مواد مخدر مانند کراک، هروئین و مواد محرکی همچون شیشه اعتیاد داشته‌اند. درواقع، براساس گفته‌های زنان، آنها بیشتر برای تأمین مواد مخدر به تن‌فروشی روی آورده‌اند. در این باره، یکی از آنها می‌گوید:

«من معتادم. شخصیتی ندارم. معتاد، مثل جانی‌هاست. به خاطر اعتیادش که شب بخواد نعهشه کنه، دست به هر فسق و گناهی می‌زنه. یارو دوا یا شیشه رو می‌ذاره جلو زنه و می‌خواد خوش باشه باهاش. اون زن هم هرکاری برا مواد می‌کنه. خیلی‌ها این‌جوری هستن.»

مسئله دیگری که به پذیرش روابط جنسی غیرمتعارف این زنان منجر شده، فقر و نداداری و کسب کمترین میزان درآمد برای گذران زندگی است. در این خصوص، یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«یه رفیق داشتم که خیلی دوستش داشتم. از زندان اومده بود. خیلی بی پول بود. منم هیچی پول نداشتم. هم گشنه بودیم و هم تشنه و هم خمار. منم چیکار کردم، رفتم با یه افغانی برنامه رفتم. با اون شکممون رو سیر کردم. یک‌بار دیگه، از کمپ اومده بودم؛ پول نداشتم. خیلی برام سخت بود. باز رفتم برنامه تا پول در بیارم.»

فرد دیگری نیز در این باره چنین می‌گوید:

«من دست و بالم خیلی خالی بود. مامانم می‌دونست من این کارو می‌کنم؛ اما همش می‌ریخت تو دل خودش. اون زمان که مامانم زندان بود، ما باید پول می‌ریختیم برای برادر و خواهرم. باید خرج زندگیمون رو در می‌آوردیم؛ برا همین، دنبال این کار بودم. حتی وقتی پدرم زندانی شد، ما وضعمون خوب نبود. حتی من از دخترم هم نگهداری کردم. دخترم رو می‌گذاشتم پیش مامانم و می‌رفتم.»

فرشته نیز در این باره می‌گوید:

«من حدوداً ۱۸ سالم بود. شوهرم ۲ سال زندانی بود. دوماهه عروس بودم که شوهرم رفت و دو سال دیگه اومد و مجبور بودم یه جوری خرجم رو در بیارم.»

باتوجه به این مسائل، این دسته از شرکت‌کنندگان، دلیل اصلی تن‌فروشی را انگیزه‌های مادی و تأمین هزینه‌های زندگی و مسائل و مشکلاتی بیان کرده‌اند که نیازمند فعالیت‌های اقتصادی است.

درواقع، خریداران کالای جنسی با دریافت چنین سیگنال‌هایی به طرف عرضه‌کنندگان متمایل می‌شوند. در این باره، یکی از مشارکت‌کنندگان چنین می‌گوید:

«مشتری‌ها به اندام طرف نگاه می‌کنن تا ببینن خوش‌استیل هست یا نه. بدنش بیسته یا نه...».

خانمی دیگر درخصوص ویژگی‌های خود این‌طور می‌گوید:

«من قیافه‌ام خوب بود. خوشگل بودم. تمیزی می‌گشتم. کم‌سن‌وسال و باب میل بودم. من آرایش می‌کردم. موهام رو رنگ می‌کردم. خیلی بگویند می‌کردم».

شخصی دیگر در این باره می‌گوید:

«من می‌رفتم تو مترو و مقنعه و چادر رو برمی‌داشتم تو کوله پشتیم می‌داشتم. آرایش می‌کردم و می‌رفتم دنبال مشتری».

باتوجه‌به این روایت‌ها وضعیت و ویژگی‌های ظاهری و رفتاری فرایند تن‌فروشی زنان را آسان‌تر می‌کنند و این افراد، براساس تجربه‌های خود و دوستانشان، سرمایه‌های جنسی را در خود افزایش می‌دهند و به آنها مجهز می‌شوند.

#### بی‌پروایی و ماجراجویی

بی‌پروایی از دیگر خصلت‌های تسهیل‌کننده فعالیت تن‌فروشی است که فرایند جذب مشتری و ارائه خدمات و دریافت دستمزد را تسهیل می‌سازد. درواقع، به اعتقاد پاسخگویان، جسارت و توانایی مذاکره و چانه‌زنی از ملزومات تن‌فروشی به شمار می‌آید که در صورت نداشتن آنها بحران‌ها و آسیب‌های زیادی بر آنان وارد خواهد شد. پروانه در این باره می‌گوید:

«من شش، هفت ساله دیگه با پررویی جواب می‌دم. شدم گرگ. من زدویند دارم. من از هیچی نمی‌ترسم. انقدر بیرون گرگ دیدم که گرگ شدم. من زندگیم رو باختم. همه‌چیز رو باختم؛ از چیزی نمی‌ترسم».

شخصی دیگر درخصوص رفتارهای این زنان چنین می‌گوید:

«حرکات زن‌های خراب تابلو هست. دختر نجیب‌یه شخصیتی داره که اگه بهش یه حرفی بزنی، جوابتم نمی‌ده؛ اما یه زنی که این جوریه باشه، هنوز جوابشم

خود را کاهش دهند. آنها با ایجاد تمایز بین ویژگی‌های عمل خود با دیگر تن‌فروشان، سعی می‌کنند از پیامدهای منفی برجسب‌ها و فشارهای درونی هنجارشکنی بکاهند.

#### تن‌فروشی بازاندیشانه

بازاندیشی مقوله‌ای است که به آگاهی مشارکت‌کننده از فعل ارتكابی خود و ادراک تجربیات شخصی و تلاش برای تغییر آنها باز می‌گردد و نویسندگان، این نوع تن‌فروشی را چنین اطلاق کرده‌اند. به اعتقاد پاسخگویان آنها پس از تن‌فروشی تلاش می‌کنند با توبه و گریه و شستشوی بدن، گناه کار خود را پاک کنند. درحقیقت، آنها برای کاهش فشارهای روانی گناه و ترس از عقوبت خداوند، این راه‌کارها را انتخاب می‌کنند. یکی از این افراد در این باره می‌گوید:

«من وقتی بر می‌گردم، می‌رم خودم رو می‌شورم و قرآن می‌گذارم سرم و انقدر گریه می‌کنم و توبه می‌کنم که خدا من رو ببخشه».

این پاسخگویان بر این باورند که پشیمانی و ندامت از فعل ارتكابی آنها را در دست‌رو سپیان قرار نمی‌دهد؛ زیرا احساس ناراحتی و توبه، وجه تمایز آنها با سایر تن‌فروشان است.

#### تسهیل‌کننده‌ها

عوامل مداخله‌گر، ازجمله عواملی هستند که به سهولت یا محدودیت در ایجاد پدیده مرکزی، یعنی تن‌فروشی منجر می‌شوند و وقوع آن را تسریع یا کند می‌سازند؛ اما جزء دلایل اصلی یا بسترساز به شمار نمی‌آیند. براساس اظهارات پاسخگویان، وضعیت مداخله‌گر در قالب ۳ مقوله سرمایه‌های جنسی، بی‌پروایی و پایبند نبودن به زندگی تفسیر می‌شود.

#### جلوه‌گری و نمایش خود، به مثابه سرمایه‌های جنسی

به باور پاسخگویان، فعالیت تن‌فروشی نیازمند داشتن ملاک‌هایی چون زیبایی، خوش‌اندامی، آراستگی و بزک‌نمایی و توانایی جلب و جذب مشتری است؛ زیرا

ندادی، می‌خواد بپره بهت حمله کنه».

ترجیح تن فروشی فردی (سازگاری فردی)

مطابق نتایج حاصل از مصاحبه‌ها بیشتر زنان پاسخگو استراتژی فعالیت فردی را بر تن فروشی سازمانی و مبتنی بر واسطه ترجیح می‌دهند و با این شیوه، تلاش می‌کنند با اتخاذ روش‌هایی مانند چانه‌زنی و دریافت وجه، آسیب‌های ممکن را کاهش دهند. یکی از افراد در این باره می‌گوید:

«تکی بهتره. معرفی بخواد بکنه، نصف پولت رو می‌خواد ازت بگیره؛ ولی تکی بری، پولت برای خودته. آدم هر جایی که نمی‌ره. آدم می‌فهمه کجاس. داری با یکی میری، حداقل باهش قول وقرارت رو می‌ذاری. من بیام اونجا، کسی باید اونجا نباشه که اذیتم کنه. انسانن بابا، هیولا که نیستن».

درحقیقت، به نظر می‌رسد کاهش درآمد دریافتی و پرداخت وجه به واسطه‌گران، از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که این زنان برای پرهیز از آنها به فعالیت فردی روی آورده‌اند.

باوجود این مطلب، عده معدودی از پاسخگویان بر این باور بوده‌اند که فعالیت با واسطه و به اصطلاح، تحت حمایت پانداها (قوادان) امنیت بیشتری را برای زنان تن فروش ایجاد خواهد کرد. دراین زمینه، یکی از زنان می‌گوید:

«اون‌جوری بهتره که معرفی کنن؛ چون اولاً بره سر خیابون، اسیر می‌شه. زمستون سرما داره، تابستون گرما. بعد یارو هم بیاد، جا نداره، این باید خودش جا داشته باشه. باید به طرف یه پولی بده و یه پولی خودش برداره. شاید تو خونه با هم نساژن و دعواشون بشه و یارو بهش پول نده؛ ولی با واسطه دیگه این حرفا نیست. صبحونش و نهارش رو می‌خوره و دست به هیچی هم نمی‌زنه. پولش رو همون درجا می‌گیره می‌ذاره تو کیفش».

مشارکت‌کننده دیگر می‌گوید:

«به نظر من معرفی بشه بهتره. شناخت بیشتره که طرف پول بده باشه؛ بزنی نباشه؛ چون خیلی‌ها می‌رن کتک هم می‌خورن و پول هم نمی‌گیرن».

شخصی دیگر می‌گوید:

«اگر تنهایی کار کنی، یه مشکل اینه که اذیت کنن یا

## رهابودگی و پایبندبودن

طبق اظهارات پاسخگویان، برخی از آنها در فرایند زندگی مشترک، به پایبندی و تعهد درخصوص وظایف خود تمایلی ندارند یا از فرارگرفتن در فرایند متعهدانه، گریزان هستند. این بعد، از منظر روان‌شناختی به ویژگی شخصیتی فرد و از بعد اجتماعی به نهادینه‌سازی نشدن مسئولیت‌پذیری و پایبندی شخص به اخلاقیات عرفی و حتی شرعی باز می‌گردد. یکی از این افراد در این باره می‌گوید:

«ازدواج یک سری تعهداتی داره از نظر اخلاقی. این سخته برام. روح خسته است. به عنوان همسر، باید یک کارایی بکنم براشون. دیگه نمی‌تونم؛ اما دوست‌شدن این تعهدات رو نداره».

خانم دیگر نیز می‌گوید:

«من چهار سال یواشکی معتاد بودم و شوهرم نمی‌دونست. وقتی فهمید، سه بار ترکم داد. من پسر داشتم. می‌ترسیدم اگه بمونم، اونم موادی بشه. زندگی رو ول کردم. من با یکی دیگه هم سه سال هم‌اتاق بودم. چند بارم گفت بیا باهم ازدواج کنیم؛ اما من قبول نکردم. سه سال باهش همین‌طور بودم».

## راهکارها و شگردها

در بخش راهکارها و شگردها نویسندگان با تحلیل اطلاعات مصاحبه به سه مقوله شگردهای سازگاران، شگردهای کچ روانه و شگردهای برون‌رفت جایگزین دست یافته‌اند که در ادامه، آنها را تحلیل می‌کنیم.

### شگردهای سازگاران

شگردهای سازگاران، به راهکارهایی اشاره دارد که افراد آنها را برای کاهش آسیب و مقابله فردی با تنش‌های تن فروشی اتخاذ کرده‌اند. این موارد شامل ترجیح تن فروشی فردی، انتخاب گزینشی مشتریان و انتخاب مشتری در شبکه حمایتی است.

مشارکت کننده دیگر نیز می‌گوید:

«دنبال جوون نمی‌رفتم؛ چون می‌ترسیدم خفتم کنن.  
می‌دونستم کسی که ۴۰، ۴۵ یا ۳۵ سالشه، اذیت  
نمی‌کنه.»

یکی از شگردهای دیگر این زنان که به نظر می‌رسد در مناطق پایین شهر بیشتر رواج داشته باشد، انتخاب مشتریان از میان افرادی با تابعیت افغان است. بیشتر پاسخگوییانی که عموماً کارتن‌خواب هستند، این مسئله را مطرح کرده‌اند و به همین دلیل، این موضوع تأمل‌برانگیز است. به اعتقاد زنان تن‌فروش، دریافت وجه و ارائه خدمات به این مشتریان آسان‌تر است. پاسخگوی دیگر می‌گوید:

«الان بیشتر مشتری هاشون شده افغان. افغان‌ها خوب پول می‌دن. بعد سریع و سیر کارشون تموم می‌شه. افغان‌ها بهترن. هم پول خوب می‌گیری، هم زود کارشون تموم می‌شه. اذیت هم نمی‌کنن.»

دو نفر از زنان تن‌فروش افغان نیز در انتخاب مشتریان، به عامل ایرانی بودن مشتری توجه داشته‌اند. آنها تحقیر و سرزنش و باور خاص افغان‌ها را درخصوص این زنان، ازجمله عوامل اصلی گرایش به ایرانیان بیان کرده‌اند. درواقع، مطابق برچسب‌های موجود در باور فرهنگی افغان و لزوم حفظ ارزش‌های خانوادگی و حفاظت از ناموس، زنان خیابانی زنانی مطرود و مستوجب سرزنش هستند؛ بنابراین، چنین هنجار عرفی مسلطی بر فرایند فعالیت زنان افغان اثرگذار بوده است. مشارکت‌کننده‌ای در این باره می‌گوید:

«همشهری‌های خودم هر کاری کنی، نیش و کنایه می‌زنن؛ اما ایرانی‌ها نه.»

خانمی دیگر می‌گوید:

«افغانی با افغانی بده. مرد هر جا بره، آزاده. ما افغانی‌ها هر جا بریم، می‌گن که این زن افغانی هرزه بوده...»

باتوجه‌به این مطالب، ترس از انگ‌زنی و زدن برچسب‌های منفی رسواکننده، این زنان را در انتخاب مشتریان خود محدود ساخته است.

پولت رو ندن؛ اما تو خونه کار کنی، با جرم زیاد می‌گیرنت. تو بیرون که کار می‌کنی، می‌گی نکنه یک‌دفعه خانواده طرف بیان تو خونه یا اینکه پولت رو بده یا نه؛ اما تو خونه حق جا می‌گیرن. مرد هم آگه جا داشته باشه، تو خونه خودت راحت تره. آگه جا نداشته باشه، میاره اونجا.»

درواقع، افرادی که خود به‌صورت قواد در پدیده روسپیگری فعالیت داشته‌اند، تن‌فروشی با واسطه را ترجیح می‌دهند.

### انتخاب‌گزینی مشتریان

به نظر می‌رسد فرد تن‌فروش قدرت انتخاب ندارد و به بستری رازآلود و مبهم برای ارائه خدمات جنسی وارد می‌گردد؛ اما این افراد با استفاده از شگردهایی براساس تجربه‌های خود و همالانشان، سعی می‌کنند برای خود مشتری پیدا کنند؛ بنابراین، باتوجه‌به اظهارات پاسخگوییان، به نظر می‌رسد شیوه انتخاب مشتری در زنان تن‌فروش شخصی از الگوی خاصی تبعیت می‌کند که اصل آن، بر خودمراقبتی و به حداقل رساندن آسیب‌های جسمی و مالی مشتریان است. درحقیقت، زنان تن‌فروش برای انتخاب مشتریان فاکتورهایی در نظر می‌گیرند؛ به‌طوری‌که برای بیشتر پاسخگوییان فعالیت‌کننده به‌صورت فردی و غیرسازمان‌یافته، مهم‌ترین روش انتخاب مشتری عامل سن و میانسال بودن افراد بوده است. درواقع، پاسخگوییان برخی مشتریان را به دلیل ارزیابی خطرناک بودن آنها رد می‌کنند. به اعتقاد آنان، این مشتریان ویژگی‌هایی چون این موارد دارند: مهربان بودن، انسان‌مداری و رعایت حال زنان، مشخص بودن انتظارات، خوش‌حسابی و آبرومند بودن. به اعتقاد این زنان، به‌طور کلی افراد مسن ایمن‌تر هستند. خانمی در این باره می‌گوید:

«من ترسوها رو انتخاب می‌کنم. اونا بهتر بودن. مظلوم‌تر بودن و برای آبرو و ترس از دوروبری‌ها و همسایه هاشون، اصلاً اذیت نکردند؛ اما قلدرها پررو هستند. مظلوما برنامه اضافه نمی‌خوان. اصلاً به چیزی هم بخواهی بهت می‌دن. پولتم می‌دن و راهیتم می‌کنن بری.»

### انتخاب مشتری در شبکه حمایتی کنترل کننده

بیشتر زنان تن فروش، قربانیان خشونت‌های شدید مشتریانشان هستند؛ درحالی که به دلیل مجرم بودن و پنهانی بودن این عمل، آنها برای دفاع از خود ابزار یا حامیانی در اختیار ندارند. در فعالیت‌های سازمان یافته زنان ابزارهای حمایتی بیشتری را احساس می‌کنند؛ هرچند براساس اظهارات بیان شده، به دلیل کاهش چشمگیر دستمزد، به این نوع فعالیت تمایل ندارند و فعالیت فردی را ترجیح می‌دهند. در این زمینه، خانمی چنین می‌گوید:

«هرچی بهم پول می‌دادن، من می‌دادم به خاله. حتی اگه تو اتاق هم به من می‌گفتن دوباره برنامه بریم، من می‌اومدم به خاله می‌گفتم که این می‌گه دوباره برنامه بریم. حتی اگه بهم شماره هم می‌دادن تو اتاق، من دوباره شماره رو می‌دادم به خاله. خاله می‌گفت بهشون زنگ زن و هرچی خواستند ازت، باید به من بگی».

نکته دیگر اینکه زنان فعال در خانه‌های فساد، الگوی انتخاب برایشان مفهومی نداشته است؛ زیرا چینش مشتریان براساس نظر و اراده فردی است که زنان تن فروش وی را «خاله» می‌نامند. موضوع مهم این است که به هنگام بروز آسیب، برای کاهش تنش و نگرانی ناشی از مواجهه فردی با مشتری، زنان تن فروش در برخی موارد ملاک‌های مطلوب خود را در انتخاب مشتری دخیل می‌کرده‌اند؛ اما این فعالیت هم با اشراف گردانندگان سازمانی انجام می‌شود. آهو در این باره می‌گوید:

«من وقتی پیش خاله کار می‌کردم، اونایی که مسن‌تر بودن، دوست داشتن با من برنامه برن؛ اما من دوست نداشتم با پیرمردها برم؛ چون بوی عرق می‌دادن. ازشون خوشم نمی‌اومد. من کلا با جوونها بیشتر می‌رفتم».

### شگردهای کجروانه جایگزین

در زمینه شگردهای کجروانه، به مقولاتی توجه می‌شود که زنان تن فروش در قالب فعالیت تن فروشانه آنها را مرتکب

می‌شوند و این موارد شامل سرقت، تلکه کردن و اغتشاشگری است.

### سرقت در پوشش تن فروشی

در برخی موارد، زنان پاسخگو به دلیل آسیب‌ها و فشارها ترجیح می‌دهند در لوای تن فروشی به اعمال کجروانه روی بیاورند تا آسیب‌های تن فروشی را برای خود کاهش دهند. درحقیقت، تجربه بحرانی یا شکست در فرایند تن فروشی آنها را به طرف جرم و بزهکاری کشیده است. این کجروی‌ها شامل سرقت، تلکه کردن و پیچاندن مشتری بوده است. شخصی در این باره می‌گوید:

«من سوار ماشینش می‌شدم و به طرف می‌گفتم برو برام آبمیوه بخر. وقتی از ماشین پیاده می‌شد، ماشینش رو سرقت می‌کردم. سوار ماشین متاهل‌ها و افراد مسن‌تر می‌شدم. بیشتر تخته حوض و پارکوی، می‌ایستادم. بهترین ماشین ۲۰۶ بود. دنده اتومات بلد نبودم. سواد نداشتم».

تن فروشی از بعد اعتقادی و ارزشی به شدت نکوهش می‌شود؛ بر همین اساس، برای افرادی که در حین چانه زنی یا سرقت یا آسیب‌های دیگر تن فروشان قرار می‌گیرند، پی‌گیری‌های قانونی دشوار است. همچنین، در این بستر کارکرد بدن نه به صورت کسب لذت یا منبع درآمد، بلکه برای سوء استفاده و به طور هم‌زمان، نجات بدن از چنگ مشتریان است.

### تلکه کردن و پیچاندن مشتری

بنا بر سخنان برخی پاسخگویان، آنها به دلیل فقر، اعتیاد و نیاز مبرم مالی به بهانه تن فروش بودن، سعی می‌کنند مشتریان خود را تلکه یا دستمزد خود را در هنگام چانه زنی به طور کامل دریافت کنند و در صورت ناتوانی در پیچاندن مشتریان، با آسیب‌رسانی به خود، سعی می‌کنند خود را نجات دهند. در این زمینه، یک مشارکت کننده چنین می‌گوید:

«اگر کسی می‌خواست به من دست بزنه، خودزنی می‌کردم؛ نمی‌گذاشتم. شده بود برم خونشون؛ ولی نمی‌گذاشتم بهم دست بزنن. می‌گفتم گشمنه. باید

### شگردهای برون‌رفت جایگزین

سومین طبقه شگردها به مواردی اشاره دارد که مشارکت‌کنندگان فعالیت تن‌فروشانه انجام نمی‌دهند؛ اما با شگردهایی چون سرگرمی‌های غیرجنسی، استفاده از ابزار عاطفه و هم‌باشی موقت، تلاش می‌کنند معاش روزانه خود را در قالبی به‌جز تن‌فروشی تأمین کنند.

### سرگرمی غیرجنسی مشتریان

براساس گفته‌های برخی پاسخگویان، این افراد پس از فعالیت مکرر در پاتوق‌ها و بی‌میلی به تن‌فروشی از راهکار جایگزین خود، یعنی سرگرم‌ساختن مشتریان با بیان طنز و شوخی و پرهیز از ارائه خدمات جنسی استفاده می‌کنند. در این خصوص، مشارکت‌کننده‌ای این‌طور می‌گوید:

«من دیگه می‌رفتم از صبح تا شب می‌شستم کنار بساط تریاک اونا. اونا هم پول رو می‌دادن و می‌رفتن. هیچ کاری هم با من نداشتن؛ خیلی خوب بودن. مثلاً می‌گفتند پروانه رو بفرست بیاد، صد تومنم بهش می‌دیم. فقط بگو بیاد بگو بخند کنه. اون زمان من دیگه یاد گرفته بودم که خیلی بگو بخند می‌کردم. اونا هم از خنده‌های من خوششون می‌اومد. می‌گفتن یه خانمم بفرست برای برنامه و پروانه رو هم بفرست بیاد. من با خودم می‌گفتم خندیدن از تن‌فروشی خیلی بهتره. منم می‌رفتم اونجا و می‌گفتم و می‌خندیدن. پولم رو می‌گرفتم؛ می‌اومدم.»

درواقع، افراد در فرایند تن‌فروشی به دنبال کمترین آسیب برای خود هستند و به همین دلیل، سرگرمی بساط بودن را بر تن‌فروشی ترجیح می‌دهند.

### استفاده از ابزار عاطفه و ترحم

شگرد دیگری که خارج از شبکه تن‌فروشی قرار می‌گیرد، استفاده از ابزارهای عاطفی برای ایجاد احساس ترحم در مشتریان و کسب درآمد، بدون ارائه خدمات جنسی است.

در این باره، یکی از این زنان چنین می‌گوید:

«من گاهی با طرف دردودل کردم. ازم پرسیده مثلاً زندگی‌ات چرا این‌جوری شده. منم گریه کردم.»

استراحت کنم. آرایش کنم. بعد آخر سر می‌گفتم نمی‌تونم و می‌زدم بیرون».

پاسخگوی دیگر نیز در این باره می‌گوید:

«من دنبال پول بودم. صد تومن، صد و پنجاه تومن پول رو می‌گرفتم؛ بعد می‌پیچوندم. می‌گفتم اول پول من رو بده. می‌فرستمش مغازه؛ بعد فرار می‌کردم. یا می‌گفتند پشت سر من بیا؛ منم می‌پیچوندم و از یه راه دیگه می‌رفتم».

مشارکت‌کننده دیگر می‌گوید:

«نزدیک یک سال سر همه کلاه می‌داشتم و می‌خوردم. می‌گفتم تا پول ندین، یه قدم هم باهاتون راه نمپام. صد تومن گرفتم؛ در رفتم. پول گرفتم که برم خونه‌اش؛ از این کوچه رفتم، از اون کوچه فرار کردم».

زن دیگری می‌گوید:

«بارها شده بود، می‌اومدن دنبالم. پولاشون رو که می‌گرفتم؛ می‌پیچوندم. گفتم می‌خوای بیام تو خونت، اول پول رو بده بریم. بعد گفتم وایسا سر کوچمه، من برم ببینم کسی خونه نیست تا بیام؛ بعد از اون ور فرار کردم».

پاسخگوی دیگر نیز در این خصوص چنین می‌گوید:

«من کارم بود دودره کن، دزدی کن و اخاذی کن. مخ یارو رو می‌زدم؛ از اون ور جیبش رو خالی می‌کردم».

### اغتشاش‌گری

یکی از شگردهای دیگر جایگزین، خرابکاری، آشوب‌سازی و اغتشاش‌گری زنان پس از دریافت حق‌الزحمه و پیش از ارائه خدمات است. درواقع، آنان پس از رسیدن به هدف خود، یعنی کسب درآمد، با استفاده از سیاست‌های تنش‌آور، سعی می‌کنند از فضا خارج شوند. در این باره، پاسخگوی دیگر می‌گوید:

«هر کی بهم پول نده، می‌زنم شیشه میشه‌ها رو می‌شکونم. یک بار یکی نمی‌خواست بهم پول بده؛ منم زدم درب‌وداغون کردم اونجا رو. فکر کرد من از اون ترسواهم. همسایه‌ها اومدن ریختن. گفتم من اومدم خونه‌اش، به من پولم رو نداده. بعد هم بهم گفته پولت رو بگیر، برو».

دست و پنجه نرم می کنند که با نام پیامدها بدان اشاره می شود و این موارد، شامل احساس حقارت، درماندگی، احساس گناه و بهره کشی هستند:

#### احساس حقارت، درماندگی و احساس گناه

طبق نتایج مقاله، در بسیاری مواقع احساس حقارت و درماندگی یکی از مهم ترین پیامدهای تن فروشی است. مشاهدات پژوهشگران در جلسات متعدد مصاحبه ها (که در مرکز گذری آسیب های اجتماعی انجام می شد) نشان می دهد در بسیاری مواقع، این زنان با حالات روحی نامساعدی به آن مکان مراجعه می کرده اند که با گریه های زیادی همراه بوده است.

همچنین، مطابق نتایج مصاحبه با مددکاران مرکز (که در بسیاری مواقع برای افزایش اعتبار پژوهش انجام شده است) برخی زنان بعد از انجام عمل خود احساس گناه می کنند؛ زیرا در ازاء مبلغی بسیار ناچیز، مجبورند در وضعیتی بسیار نامناسب، خدمات جنسی ارائه دهند که به دلیل برخی معذورات اخلاقی در اینجا از ذکر این مسائل صرف نظر شده است.

#### خشونت و بهره کشی

بر اساس نتایج به دست آمده، بیشتر این زنان در طول زندگی با انواع خشونت ها و آزارهای شدید جسمی و روحی مواجه هستند. در این باره، یکی از آنان این طور می گوید:

«بعضی ها می گیرن آدم رو می زنن یا می زارن تو ماشین و گولت می زنن؛ می برنت تو به جای دور ولت می کنن؛ بعد می گن برو پایین سیگار بخر بیار یا می گن برو فلان مغازه این رو بخر یا آدم رو می زنن و میرن».

پاسخگویی می گوید:

«یک بار رفته بودم به جا که ۳-۴ نفر بودن؛ بعد باهام بد تا کردن. زورگیری کردن و خیلی اذیتم کردند و خیلی زدن من رو. وقتی اوادم، همه جام زخم بود. هر کاری خواستند کردند و پولم ندادن».

با عنایت به این مطالب، به جز آسیب های جسمی و

خودش بهم پول داده. برام خرید کرده. سرم رو بوس کرده و رفته و کاری به کارم نداشته. روشن تاثیر می گذاره. مثلاً گفتم من شوهرم رو دوست دارم. اون هنوز هم زنده است. اگرم با تو میام، دوست نداره این کارو باهات بکنم؛ ولی مجبورم، برای پول اوادم. مرده هم انسانه دیگه؛ می فهمه. همون گریه هام باعث می شه که احساساتی بشن و یه پولی بدنند و کاری نداشته باشن».

درحقیقت، این زنان با استفاده از ابزارهایی چون گریه کردن، شرح اتفاقات ناگوار زندگی و علاقه به همسر، احساس ترحم مشتریانشان را بر می انگیزند.

#### هم باشی موقت

برخی پاسخگویان در تجربیات خود، هم باشی موقت و هم خانگی با یک فرد را انتخاب می کنند. به نظر می رسد در این روش، به جز جنبه های مادی نیازهای عاطفی هم وجود دارد و افراد، شرکای جنسی متعدد را کنار می گذارند؛ اما هم خانه این افراد، معمولاً یک ویژگی مشترک، یعنی اعتیاد دارد. گذشته از آن، به باور یکی از پاسخگویان، راهکار فردی کاهش آسیب، در زیست و هم باشی موقت با مشتریان است. در این باره، یکی از مشارکت کنندگان می گوید:

«من چند ماه شده بود که صبح تا شب پیش یه آقای می موندم. مثل یه خانم خونه دار براش بودم. شایدم یک بار با هم برنامه داشتیم؛ ولی خب خیلی خوب بود. بهترین روزای من همون بود؛ چون ناز و نوازشم می کرد؛ به من محبت می کرد. با هم می رفتیم خرید. برام همه چیز می خرید. می گفت با هیچ کس دیگه ای نباید باشی».

درواقع، کاهش تعداد مشتریان، ارائه خدمات جنسی در مقابل دریافت خدمات عاطفی و مالی و همچنین، بی نیاز شدن از مشتری از جمله دلایلی است که این افراد، تمایل به هم باشی را بر تن فروشی ترجیح می دهند.

#### پیامدها و آسیب های تجربه شده تن فروشان

زنان در فرایند تن فروشی با آسیب ها و فشارهایی



امکان ابتلا به بیماری‌های مختلف، تن‌فروشی با فشارهای روانی مانند نگرانی، افسردگی، احساس سرخوردگی، احساس خصومت و گناه و بی‌اعتمادی به مردان همراه است.

جدول شماره ۲- مقولات مرتبط با معناکاوی تن‌فروشی زنان

مفاهیم	مقوله جزئی	مقوله اصلی
تن‌فروشی معامله‌گرانه	طبقه‌بندی انواع تن‌فروشی	دلالیت معنایی تن‌فروشی
تن‌فروشی هنجارسازی شده		
تن‌فروشی بازاندیشانه		
داشتن سرمایه‌های جنسی	حضور تسهیل‌کننده‌های تن‌فروشی	عوامل مداخله‌گر
بی‌پروایی و ماجراجویی		
رهابودگی و پایبند نبودن		
ترجیح تن‌فروشی فردی	شگردهای سازگارانه	
انتخاب‌گزینشی مشتریان		راهکارها و شگردها
انتخاب مشتری در شبکه حمایتی کنترل‌کننده		
سرقت در پوشش تن‌فروشی	شگردهای کج‌روانه	
تلکه کردن و پیچاندن مشتری	جایگزین	
اغتشاشگری		
سرگرمی غیرجنسی مشتریان	شگردهای برون‌رفت	
استفاده از ابزار عاطفه و ترحم	جایگزین	
هم‌باشی موقت		
خشونت‌های جسمی و جنسی	حقارت، درماندگی و احساس گناه	پیامدها و آسیب‌ها
فشارهای روانی	خشونت و بهره‌کشی	

### نتیجه

تن‌فروشی از جمله موضوعاتی است که در بسیاری از جوامع، براساس هنجارهای عرفی و قانونی با آن برخورد و در صورت جرم‌انگاری با متخلفان آن برخورد می‌شود؛ هرچند جوامعی نیز از دیرباز وجود دارند که در آنها تن‌فروشی زنان، امری پذیرفته شده و قانونی است. با کمی تأمل در فرایند بررسی این پدیده، مشخص می‌شود اقدام به تن‌فروشی و راهکارهای زنان، برحسب پایگاه اجتماعی، موقعیت و وضعیت آنها متفاوت است؛ به طوری که آنان، ادبیات متفاوتی را از این تجربه خلق و تلاش می‌کنند با روش‌های آموخته یا تجربه شده، از شدت آسیب‌های خود بکاهند و به مقاصد احتمالی نیز دست یابند. این پژوهش، با رویکرد نظریه مبنایی ضمن مطالعه تجربه زیسته زنان خیابانی در حوزه تن‌فروشی

تلاش کرده است با معناکاوی تن‌فروشی از منظر این زنان، روش‌ها و شگردهای کج‌روانه این افراد را در فرایند تن‌فروشی بازنمایی کند.

طبق یافته‌های ما معنای تن‌فروشی از منظر این پاسخگویان، به معامله‌ای تشبیه می‌شود که در آن، به ازای تن‌فروشی، مشکلاتی مانند اعتیاد، مسائل معیشتی، فقر، بی‌کفایتی شبکه‌های حمایتی و بی‌پناهی و بی‌مکانی آنان از بین می‌رود. این نتیجه، با پژوهش حسینی و آقای (۱۳۸۷)، علیایی‌زند (۱۳۸۳)، وروایی و همکاران (۱۳۸۹) و امین‌آقایی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. معنای دیگر این کار، تن‌فروشی هنجارسازی شده است که این زنان آن را ایجاد کرده‌اند. درحقیقت، پاسخگویان تلاش می‌کنند با ایجاد قواعدی چون پرهیز از لذت‌طلبی، انتخاب مشتریان مسن، صیغه‌شدن و ...، بین فعل ارتكابی خود و تن‌فروشی

گزارش کرده‌اند (Karandikar & Prospero, 2010) و با این روش، با چتر حفاظتی کچروانه، خود را مصون می‌سازند و

۳. زنان، با افزایش سال‌های حضور در می‌یابند که استراتژی‌های دیگری نیز ممکن است برای آنها درآمدهای مقبولی ایجاد کند؛ به طوری که از برچسب‌های تن‌فروشی نیز در امان بمانند. سرگرمی‌های غیرجنسی، هم‌باشی‌های موقت و استفاده ابزاری از ترحم مشتریان، از جمله این موارد هستند.

در مجموع، این موارد هسته مرکزی این پژوهش، یعنی «تن‌فروشی به مثابه استیصال و درماندگی» را تشکیل می‌دهند. درحقیقت، زنان خیابانی درگیر فقر و مشکلات معیشتی و همچنین، بی‌پناه و بی‌یاور، تلاش می‌کنند با عرضه بدن زنانه و توانایی‌های مرتبط با آن، برای خود فرصت‌سازی کنند. در این میان، آنان نمی‌توانند خشونت‌های جسمی و روانی وارد شده به خود را تلافی کنند؛ اما با استفاده از خشونت‌های کچروانه (تلکه‌کردن، سرقت و ...) یا خشونت‌های نامرئی (ابزار ترحم) تلاش می‌کنند خود را از چرخه آسیب در امان بدارند و نبودن نهادهای قانونی، حمایتی و خدماتی را جبران کنند. این امر، به پیدایش استراتژی‌های فردی نیاز دارد که در نهایت، در این چرخه آسیب‌ساز، به‌جز عرضه‌کنندگان، مشتریان نیز بی‌نصیب نخواهند ماند.

#### محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش، محدودیت‌هایی داشته است که مواردی چون این مسائل، از جمله آنها بوده‌اند: انتخاب مشارکت‌کنندگان، حضور دشوار آنها در پژوهش، نیمه‌کاره ماندن و از فرایند تحلیل خارج شدن برخی مصاحبه‌ها به دلیل بی‌میل شدن برای ادامه مصاحبه، اعتیاد پاسخگویان و نداشتن تمرکز، اضطراب و بی‌قراری و ترس. گذشته از آن، در پژوهش‌های خارجی به دلیل تفاوت‌های فکری و اجتماعی بحث تن‌فروشی بیشتر بر

تمایزاتی قائل شوند. اطلاق تن‌فروشی بازاندیشانه نیز به احساس ندامت، پشیمانی و توبه هرروزه این زنان اشاره دارد که به اعتقاد پاسخگویان، معنای فعل آنها را با تن‌فروشی متفاوت می‌کند.

این زنان پاسخگو با وجود تن‌فروشی نپنداشتن عمل خود و تلاششان برای مرزبندی‌های مشخصی برای این کار، همچنان معتقدند که داشتن سرمایه‌های جنسی، مانند زیبایی، جذابیت زنانه، بی‌پروایی و ماجراجویی، رهابودگی و پایبند نبودن، مردان را جذب و در واقع، فرایند تن‌فروشی را تسهیل می‌کند. این نتایج نیز با پژوهش دینگ و همکارانش (2012) همخوانی دارد.

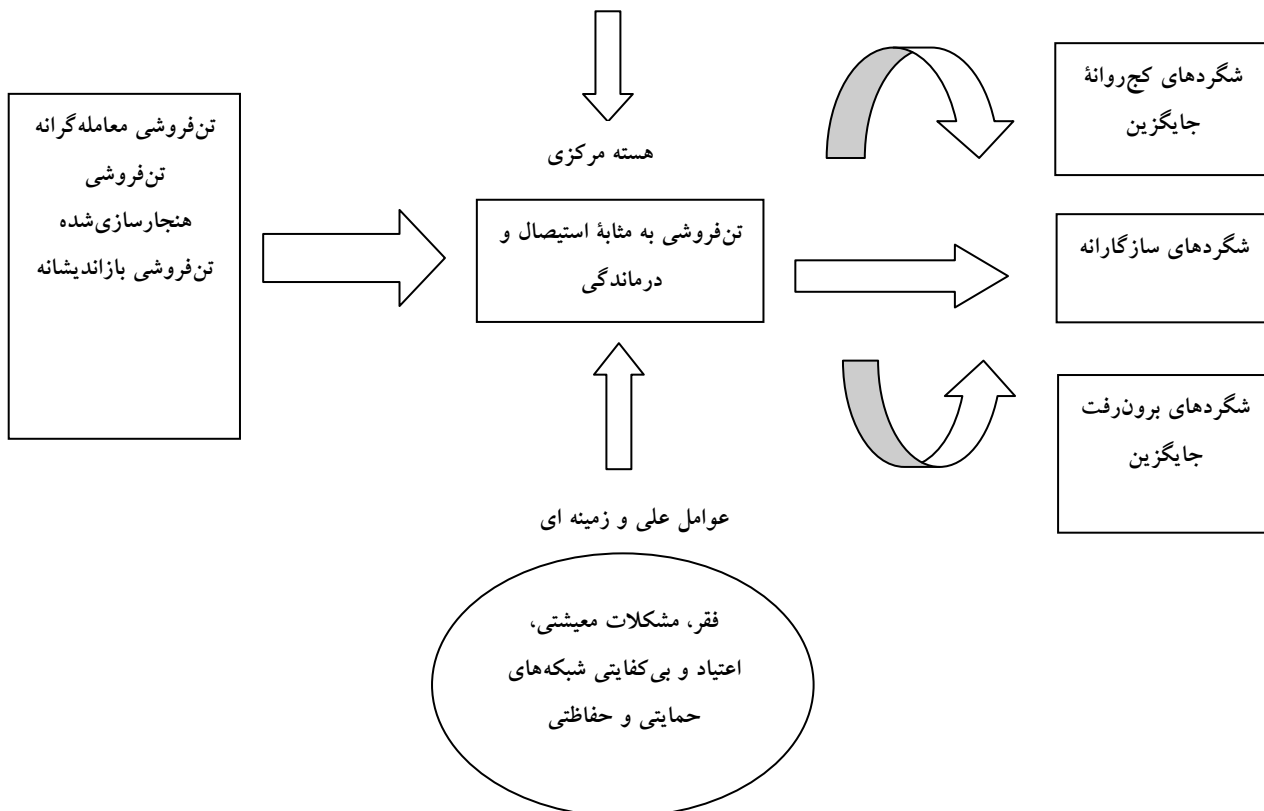
همچنین، براساس یافته‌های این مقاله، زنان شگردهای مختلفی را در عرصه تن‌فروشی به کار می‌بندند تا به این صورت، در مقابل آسیب‌های احتمالی برای خود سپر محافظتی ایجاد کنند یا با شگردهای جایگزین، احتمال بروز آسیب را کاهش دهند و موارد یافته‌شده این چنینی در نوع خود عمیق و چشمگیر هستند. این شگردها را می‌شود در ۳ طبقه مطرح کرد:

۱. شگردهای سازگاران: تن‌فروشان خیابانی با ترجیح تن‌فروشی فردی، انتخاب‌گزینه‌های مشتریان و فعالیت در شبکه‌های حمایتی تلاش می‌کنند تا به‌جز کسب درآمد، از آسیب‌های احتمالی نیز در امان بمانند؛ هرچند فعالیت‌های سازمان‌یافته در زنان خیابانی به‌ندرت وجود داشته است. در این خصوص، نتایج پژوهشی مدنی‌قهفرخی و همکاران (۱۳۹۱) نیز تأیید می‌کند که در ایران، بازار روسپیگری بازاری متشکل، اما کمتر سازمان‌یافته و از لحاظ تشکیلات عرضه‌کننده است؛

۲. در برخی موارد، زنان راهبردهای کچروانه جایگزین را انتخاب و با محاسبه عقلانی تلاش می‌کنند با جلب مردان مشتری کچروی انجام دهند و همچنین، بدون ارائه خدمات جنسی خود را از آسیب‌ها در امان نگه دارند؛ زیرا در برخی پژوهش‌ها زنان تن‌فروش خشونت‌های سخت و شدیدی را از مشتریان‌شان تجربه و

مباحث اجتماعی مرتبط با تن‌فروشان، پژوهشگران پیشینه مطالعاتی مناسب و انباشته‌ای را در اختیار ندارند. همچنین، باتوجه‌به مباحث فرهنگی و عرفی نوشتن درخصوص تمام ابعاد سخنان مشارکت‌کنندگان، با محدودیت همراه بوده است.

آسیب‌های واردشده به تن‌فروشان و حتی قربانی‌شدن و جرائم علیه آنان و ... متمرکز شده است. مطالعات موجود در ایران نیز از ابعاد متفاوت به این موضوع توجه کرده‌اند و تمرکز این پژوهش‌ها بر بعد بیماری‌های انتقالی و مباحث بهداشتی است؛ زیرا به دلیل متمرکزشدن بر سایر



تن‌فروشی در شهر تهران، چکیده سی و چهارمین همایش علمی و بین‌المللی زنان و زندگی شهری، کارگروه زنان، امنیت و آسیب‌های اجتماعی، تهران: شهرداری تهران، ص ۱۷۵.

حسینی، ا. و آقای، م. (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مؤثر بر پدیده روسپیگری»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی، د ۱، ش ۱، ص ۶۳-۷۸.

دارابی، س. (۱۳۹۶). مطالعه و بررسی روسپیگری و روسپیان، در کتاب مجموعه مقالات گزارش وضعیت اقشار آسیب‌پذیر و آسیب‌دیدگان اجتماعی، تهران: نشر آگه.

شکربیگی، ع. و قزوینه، ژ. (۱۳۹۶). «روسپیگری زنان

### منابع

استراوس، ا. و کوربین، ج. (۱۳۸۵). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

امین‌آقای، م. (۱۳۸۸). «نقش همکاری خانواده و پلیس در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی»، فصلنامه انتظام اجتماعی، س ۱، ش ۲، ص ۵۷-۷۶.

ایزدی، ح. و ضرغامی، ا. (۱۳۹۳). «عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر پدیده روسپیگری در شهر شیراز در سال ۱۳۸۹»، فصلنامه توسعه اجتماعی، د ۹، ش ۱، ص ۲۲۷-۲۴۵.

جواهری، ف. و هلالی‌ستوده، م. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت

- (مورد پژوهی روسپیگری زنان کولی در محله حکمت‌آباد کرمانشاه)، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی دانشگاه الزهراء، د ۱۵، ش (۵۲) ۳، ص ۱۶۴-۱۴۵.
- علیایی زند، ش. (۱۳۸۳). عوامل زمینه‌ساز تن‌دادن زنان به روسپی‌گری، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، طرح معاونت پژوهشی.
- فاتحی، ا؛ صادقی، سعید. و اخلاصی، ا. (۱۳۸۹). «توصیف و تحلیل ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دختران و زنان روسپی اصفهان»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، د ۴، ش ۲، ص ۱-۱۴.
- مدنی، س. و روشنفکر، پ. (۱۳۹۴). «ویژگی‌های مشتریان تن‌فروش از دیدگاه زنان تن‌فروش خیابانی شهر تهران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۹، ش ۳۴، ص ۶۴-۳۳.
- مدنی قهفرخی، س؛ رئیس‌دانا، ف. و روشنفکر، پ. (۱۳۹۱). «بازار تن‌فروشی خیابانی زنان در کلان‌شهر تهران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، د ۶، ش ۱، ص ۲۴-۱.
- محمودی، ز؛ اعرابی، ز؛ مدنی، س؛ وامقی، م؛ دولتیان، م؛ مرقاتی، ع؛ کمالی، ک؛ ستاره، آ. و دژمان، م. (۱۳۹۲). «برنامه مداخله رفتارهای پرخطر در زنان در معرض آسیب در ایران: روش ارزیابی سریع و پاسخ»، نشریه دانشگاه علوم پزشکی البرز، د ۳، ش ۴، ص ۲۲۰-۲۱۱.
- مسلمی، پ؛ آقابخشی، ح. ا. و اسماعیلی، ا. (۱۳۹۲). «روش تأمین نیازهای عاطفی زنان از طرف مردان و نقش آن در روسپیگری زنان»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، س ۶، ش ۱۹، ص ۸۲-۶۵.
- میرزایی، خ. (۱۳۹۵). کیفی پژوهی، پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی، تهران: فوژان.
- وروایی، ا؛ نیازخانی، م؛ کلاکی، ح. و ترکمان، م. (۱۳۸۹). «عوامل خانوادگی مؤثر بر گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی و راهکارهای پیشگیری از آن»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، س ۵، ش ۴، ص ۶۴۹-۶۲۷.
- وظیفه، ع. (۱۳۹۱). جنسیت و بزهکاری با نگاهی به قوانین کیفری ایران، تهران: انتشارات آوا.
- Copes, H. & Williams, J. Patrick. (2007) "Techniques of Affirmation: Deviant Behavior, Moral Commitment, and Subcultural Identity". *Deviant Behavior*, 28(3): 247-272.
- Creswell, JW. (2007) *Qualitative Inquiry & Research Design*. Second Edition. Sage publications. ISBN 978-1-4129-1606-6 (cloth) ISBN 978-1-4129-1607-3 (pbk.)
- Della Giusta, M. Di Tomaso, M. L. & Strøen, S. (2004) *Another Theory of Prostitution*, No em-dp 2004-13, Economics & Management Discussion Papers from Henley Business School, Reading University.
- Dewey, S. & St. Germain, T. P. (2015) "Sex Workers/Sex Offenders: Exclusionary Criminal Justice Practices in New Orleans". *Feminist Criminology*, 10(3): 211-234.
- Ding, Y. & Ho, P. S. Y. (2012) "Sex work in China's Pearl River Delta: Accumulating Sexual Capital as A Life-Advancement Strategy". *Journal of Sexualities*, 16:43-60.
- Farrer, J. (2010) "A Foreign Adventurers Paradise? Interracial Sexuality and Alien Sexual Capital in Reform Era Shanghai". *Sexualities*, 13(1): 69-95.
- Gottfredson, M. R., & Hirschi, T. (1990) *A general theory of crime*. Stanford: Stanford University Press.
- Hong, H. (2007) *The study on prostitution experiences of runaway teenagers and social wel-fare service*. Seoul, South Korea: University of Seoul.
- Hu, K. (2008) *A phenomenological study on experience of runaway girls after leaving their homes*. Pusan, South Korea: Kyung Sung University.
- Karandikar, S. & Prospero, M. (2010) "From Client to Pimp: Male Violence-Against Female Sex Workers". *Journal of Interpersonal Violence*, 25(2): 257-273.
- Kontula, A. (2008) "The Sex Worker and Her Pleasure." *Current Sociology*, 56(4): 605-620.
- Lanier, M. M. & Henry, S. (2009) *Essential criminology*. Boulder, CO: Westview Press.

- Stigma in Female Sex Workers' Long-Term Intimate Relationships". *Journal of Sociology*, 51(4): 1103 –1116.
- Song, J. & Morash, M. (2016) "Materialistic Desires or Childhood Adversities as Explanations for Girls Trading Sex for Benefits". *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology* 2016, 60(1): 62 –81.
- Lee, T. Y. & Shek, D. T. L. (2013) "Compensated Dating in Hong Kong: Prevalence, Psychosocial Correlates, and Relationships with Other Risky Behaviors". *Journal of Pediatric & Adolescent Gynecology*, 26(3): S42-S48.
- Lincoln, Y. S. & Guba, E. G. (1985) *Naturalistic inquiry*, SAGE Publications; 1st edition; April 1985, ISBN-13: 978-0803924314.
- Murphy, H. Dunk-West, P. Chonody, J. (2015) "Emotion Work and the Management of